



جلد دوم ایران زیبای من



پروژه مشاغل، جلد دوم

نگاره پروژه مشاغل

سلام عزیزم. خوب به نگاره نگاه کن. چه می بینی؟ در مورد آن با دوستان صحبت کن.

چه مغازه یا فروشگاههایی را در نگاره می بینی؟ از کدام از این فروشگاهها خرید کرده ای؟

به بالای نگاره نگاه کن و از راست به چپ هر چه را می بینی نام ببر.

اولین تصویر از سمت راست چه تصویری بود؟ چه شغلی را نشان می داد.

دردومین تصویر یک مغازه می بینی، چه مغازه ای است؟

یک ماشین زرد رنگ جلو کتاب فروشی هست، چه شغلی را نشان می دهد؟ چه کاری انجام می دهند؟

سمت چپ مغازه ی کتاب فروشی چراغ راهنماست، آن را نشان بده. کنار آن یک فردی ایستاده به نظر شما او کیست؟ چه شغلی دارد؟

با احتیاط از خیابان عبور کن، این آقا درحال انجام چه کاری است؟

از پیاده رو به سمت چپ برو، اولین مغازه چه نام دارد؟ آنجاچه چیزهایی را می فروشند؟

مغازه ی بعد از میوه فروشی چه مغازه ای است؟ به نظر شما این نانوایی چه نانی را می فروشد؟ اگر خاطره ای از خرید نان از نانوایی دارید بیان کنید.

پدر علی کنار نانوایی مشغول کار است. به نظر شما او چه کاره است؟

دوباره خوب به تصویر نگاه کن، پایین سمت چپ چه مغازه ای است؟ چه چیزهایی در آنجا به فروش می رسد؟

پایین صفحه آقایی که لباس نارنجی دارد مشغول چه کاری است؟ نام شغل او چیست؟

موهای دانا بلند شده و می خواهد آنها را کوتاه کند به چه مغازه ای باید مراجعه کند؟ روی نگاره نشان بده.

به کسی که موها را کوتاه می کند چه می گویند؟

مادر مریم پرستار است و در بیمارستان کار می کند، در نگاره او را پیدا کن و نشان بده.

در خیابان چه ماشین هایی می بینی؟ نام ببر رنگش را بگو و بگو شغل این افراد چیست؟

کاربرگ 1، پروژه مشاغل

سلام بچه ها یک بازی داریم. آماده اید انجام دهیم خوب ابتدا به نگاره خوب نگاه کنید و تا 10 بشمارید.

حالا به کتاب خوب نگاه کنید و تصاویر را خوب ببینید و سریع سمت راست تصاویری که در

نگاره بود چهارگوش قرمز بکش. آفرین به این همه دقت خودتان را تشویق کنید.

دوباره به صفحه ی کتاب توجه کنید، بچه ها پدر علی خیاط است. وسایل کار خیاط چیه؟ آفرین

درسته. اگر موافقت یک بازی دکمه ای انجام بدهیم، بازی این طوره بدون اینکه مدادت را از روی

کاغذ برداری، دکمه ها و سوزن ها را یک در میان به هم وصل کن. دقت کن به قیچی برخورد نکنی چون نخ پاره می شه.

کاربرگ 2، پروژه مشاغل

بچه ها سلام. عمو پورنگ یه ترانه زیبا درباره شغل ها دارد، موافقت گوش بدهیم. پس خوب خوب گوش بدهید. خب حالا بگوئید، عموپورنگ در سرود چه شغل هایی را نام برد؟ با کدامیک از این شغل ها آشنا هستید؟ در مورد این شغل ها با هم بحث و گفت و گو کنید.

- وسایل اطراف صفحه ی کتاب مربوط به کدام شغل است؟ آن ها را با خط به تصویر مناسب وصل کن.

- کدام تصویر، زهرا خانم مامان علی را نشان می دهد؟ شغل زهرا خانم چیه ؟ آفرین. حالا مداد رنگی هات را بردار و پارچه های زهرا خانم را به این ترتیب رنگ کن. زرد، صورتی، قهوه ای.

- پارچه ای را که با چرخ خیاطی می دوزند به رنگ سبز رنگ آمیزی کن.

- حالا به شکل پایین صفحه خوب نگاه کن (از راست به چپ). به نظر شما هر کدام چه شغلی دارند؟ نام شغل ها را به دوستت بگو. به پارچه فروش چی می گویند؟

- مدادت را بردار و سمت چپ هر شغلی که آخرش صدای (ش) می شنوی، چهارگوش آبی بکش.

- سمت چپ هر شغلی که آخرش صدای (ز) شنیدی سه گوش قهوه ای بکش.

کاربرگ 3، پروژه مشاغل

سلام خوب به کتاب نگاه کن. اما ابتدا پایین صفحه را نگاه کن. دانا با پدر بزرگش به نانوایی آمده اند. پدر بزرگ از حسن آقا نانوا خواست تا برای نوه اش دانا توضیح دهد که نان چه طور آماده می شود. صحبت های حسن آقا نانوا در تصاویر بالا آمده است، تصاویر رابه ترتیب بین و برای دوستت تعریف کن.

حالا وقتشه به سرود عمو پورنگ گوش بدهی. می دونم که خیلی خوشت میاد.

کاربرگ 4، پروژه مشاغل

سلام خوب به تصاویر نگاه کن. دانا و دینا امروز برای شما یک بازی دارند. به لباس های آنها و وسایل

اطرافشان در هر قسمت نگاه کن. هر کس در گروه زودتر تشخیص دهد آنها چه شغلی را نشان می دهند،

برنده است.

- حالا به وسایل اطراف صفحه نگاه کن ببین وسایل به کدام شغل ها مربوط هست. با خط به جای خالی وصل کن.

- در پایین سمت چپ یک چهارگوش خالی داریم تو می تونی مثل دانا و دینا یه شغل را به دوستان معرف کنی (عکس بچسبان نقاشی بکش یا تعریف کن).

کاربرگ 5، پروژه مشاغل

سلام. امروز دانا و دینا با پدر و مادر به بازار قدیمی شهرشان رفته اند، تا داروی گیاهی تهیه کنند.

- آیا در شهر یا روستای شما هم این مدل بازارها وجود دارد؟ تا به حال به آن جا رفته ای؟

- خوب به تصویر نگاه کن در این بازار چه مغازه هایی می بینی؟ در مورد آنچه می بینی با دوستان صحبت کن.

- پایین صفحه سمت راست را ببین یک مغازه بقالی است جلوی مغازه چند گونی حبوبات گذاشته شده، (حبوبات یعنی دانه هایی خوراکی مثل لوبیا، عدس، نخود و.....) روی گونی ها را با این دانه ها کامل کن. (دانه ها را بچسبان)

کاربرگ 6، پروژه مشاغل

سلام. امروز دانا تصمیم گرفته به پاکبان محله کمک کنه و برگ های پاییزی را در پارک رو به روی خانه شان جمع کند.

ابتدا به او کمک کن و با نقطه چین های جارویش را کامل کن تا کارش را شروع کند. بعد لباس دانا را مانند پاکبان ها رنگ بزن. می توانی در مورد پاکبان ها و اهمیت کارشان با دوستان صحبت کنی، حتی می توانی گزارشی از کار آن ها تهیه و با دوستان به اشتراک بگذاری.

- بچه های عزیز تعدادی برگ های پاییزی روی زمین ریخته است ابتدا برگ های شبیه هم را داخل خط بسته قرار بده و سپس رنگ بزن.

- حالا در سمت چپ درخت یک سطل آشغال بکش تا دانا برگ ها را داخل آن بریزد.

کاربرگ 7، پروژه مشاغل

سلام دانا و دینا به همراه خانواده دور میز نشسته اند تا با هم معما حل کنند. اول به میز نگاه کن دور میز چه افرادی نشسته اند؟ نام هر یک را بگو. آن ها روی هم چند نفرند؟ حالا به روی میز نگاه کن چه چیزهایی روی میز است؟ چند فنجان چای می بینی؟ آیا به تعداد تمامی افراد خانواده چای هست؟ با خط فنجان ها را به افراد وصل کن، ببین چند تا کم است؟ به تعدادی که فنجان کم است در سینی فنجان بکش.

- به دانا و دینا کمک کنید تا معماها را حل کنند.

معمای اول: و کار من آچار، چسب و پیچ است وقتی کار من تمام شود شما می توانید از آب شهر خوب

استفاده کنید؟ آفرین در پایین دور پاسخ درست، خط نارنجی بکش.

معمای دوم: از حیوانات مراقبت می کنم تا شما بتوانید از شیر و گوشت حیوانات و... استفاده کنید؟ آفرین.

سمت راست آن یک سه گوش آبی بکش .

معمای سوم: با تکه های نازک چوب درختان و بوته ها وسایل زیبا مثل سبد، کلاه و... برایتان می بافم.

دور شکلش خط قرمز بکش.

معمای چهارم: من می توانم شما را هنگام سفر به آسمانها ببرم و زود به شهری که می خواهید برسارم. سمت چپ شکل آن دو گردی مشکی بکش.

کاربرگ 8، پروژه مشاغل

سلام بچه های عزیز ابتدا تصاویر هر قسمت را خوب ببینید و نام آن ها را به دوستان بگویید و در مورد آن با هم گفت و گو کنید. سپس به قسمت بالای تصویر دوباره نگاه کنید.

- تصاویری که اول اسم آن ها صدای (ا) می شنوی را با رنگ قرمز به دینا وصل کن.

- تصاویری که آخر اسم آن ها صدای (ا) می شنوی را با رنگ بنفش به دینا وصل کن.

- حالا به سراغ دانا برو، تصاویری که آخر نامشان صدای (ف) می شنوی را با رنگ آبی به دانا وصل کن.

- تصاویری که آخر نامشان صدای (م) می شنوی با رنگ سبز به دانا وصل کن.

- تصاویری که آخر نامشان صدای (ش) می شنوی با رنگ نارنجی به دانا وصل کن.

-حالا یک بازی داریم. خوب به پایین صفحه نگاه کن، مدادت را بردار از راست به چپ مسیر نقطه چین را کامل کن. در راه یک سری وسیله می بینی خوب به آنها توجه کن وقتی به چهارگوش زرد رسیدی حدس بزن منظور ما چه شغلی بود؟ اگر حدس درست بود داخل مربع زرد یک گردی قرمز بکش و اگر حدس اشتباه بود داخل مربع زرد، سه گوش آبی بکش.

کاربرگ 9، پروژه مشاغل

سلام بچه ها، بازی داریم یه بازی بامزه و عالی. خوب نگاه کن.

-اینجا کجاست؟ بله درسته. همان طور که می بینی با اینکه در پارک سطل آشغال وجود دارد، متاسفانه بعضی از افراد دقت نکرده اند و زباله ها را روی زمین انداخته اند و پاکبان خوب ما می خواهد زباله ها را جمع کند. مدادت را بردار و از سمت فلش شروع کن. ولی دقت کن که پاکبان با یک بار رد شدن از هر مسیر، باید بتواند همه ی زباله ها را جمع کند.

پروژه ایران وطن من، جلد دوم

نگاره ایران وطن من

سلام بچه های ایران. همان طور که می دانید هر کسی برای خودش خانه ای دارد. خانه ی بزرگ ما هم کشورمان است. کشور ما ایران نام دارد. به تمامی ما که در ایران زندگی می کنیم. ایرانی می گویند. پس به افتخار تمامی کودکان ایرانی دست بزنید.

حالا به نگاره خوب نگاه کن شکل خانه ی همه ی ما یعنی ایران را ببین. به آن نقشه می گویند.

به بالای نگاره نگاه کن چه می بینی؟ به پایین نگاره نگاه کن چه می بینی؟ آفرین در بالا و پایین کشور عزیزمان ایران دریا قرار دارد می توانی از مربی یا پدر و مادر خود اسم این دریاها را بپرسی.

در دست دانا و دینا چه چیزی هست؟ پرچم کشور ایران چه رنگ هایی دارد؟ بروی نقشه ایران چه چیزهایی می بینی؟ نام ببر و به دوستان نشان بده. در نگاره ی ایران، زن ها و مردان ایرانی با لباس های سنتی و محلی خودشان را می بینی.

تا به حال این لباس های زیبا را دیده بودی؟ اگر عکسی با این لباس ها داری با اجازه والدین خود به کلاس بیاور و به دوستان هم نشان بده، اگر لباسش را هم داری می توانی در روزی که مربی خوبتان مشخص می کند، بپوشی و به کلاس بیاوری تا دوستان هم آن را ببینند.

حالا دوباره به نگاره نقشه ی ایران نگاه کن. سمت چپ نقشه بیشتر کوه می بینی یا سمت راست؟ از مربی خوبت بپرس ببین شهری که زندگی می کنی چه نام دارد و کجای نقشه قرار دارد؟ حالا همه به عشق ایران بایستید دست بزنید و همه با هم بگویید «ما ایران را دوست داریم»

کاربگ 1، پروژه ایران وطن من

سلام بچه های خوب ایرانی، همان طور که می دانید ما در کشور زیبای ایران زندگی می کنیم.

همان طور که همه ی ما خانه ای داریم کشور ایران هم خانه ی بزرگ همه ی ماست. خوب به تصویر کتاب نگاه کنید.

تصویری که می بینید نقشه ایران است که شهرها و روستاهای ما و خانه های ما در آن قرار دارد. خوب به نقشه ایران نگاه کن و درباره ی چیزهایی که می بینی با دوستان صحبت کن. بچه های عزیز مثل خانه هایمان که یک پلاک و نشانه دارد تا بهتر شناخته شود، کشور ما ایران هم نشانه ای دارد به این نشانه **پرچم** می گویند.

بچه ها دانا و دینا پرچم ایران را در دستان خود گرفته اند و می گویند ما کشورمان ایران را دوست داریم. بچه های ایران شما هم بایستید و با هم سرود ایران زیبا را بخوانید.

شما می توانید در منزل با خانواده ی خود صحبت کنید و هر چه در مورد ایران یاد گرفتید را با دوستانتان به اشتراک بگذارید.

کاربرگ 2، پروژه ایران وطن من

سلام بچه های عزیز، همان طور که گفتیم هر کشوری برای خود نشانه ای به نام پرچم دارد که با آن شناخته می شود. ما پرچم خود را دوست می داریم و به آن احترام می گذاریم. کتاب را باز کنید و خوب نگاه کنید دانا و دینا و دوستانشان روی حیاط در کنار پرچم در حال خواندن سرود جمهوری اسلامی هستند. شما هم سرود را با آنها بخوانید.

در مورد پرچم ایران و رنگ های آن با مربی خود صحبت کنید. حالا به هر صورتی که دوست دارید رنگهای پرچم را کامل کنید مانند کلاژ، رنگ آمیزی یا....

کاربرگ 3، پروژه ایران وطن من

سلام بچه ها قراره امروز بریم سفر، اونم با قطار اگه گفتید کجا؟ اگر موافقید سرودی را بشنویم تا متوجه شوید. آفرین.

- بله می دونم که متوجه شدید کجا قراره برویم. دانا و دینا و خانواده شان هم سوار قطارند و به سوی حرم امام هشتم، امام رضا(ع) در حال حرکتند. الان به نزدیک شهر مشهد رسیده اند و در حال سلام دادن به امام رضا(ع) هستند.

-آیا به شهر مشهد سفر کرده ای؟ با چه وسیله ای؟ اگر خاطره ای دارید برای دوستانت تعریف کن.

-می توانی گزارشی در این رابطه با کمک خانواده خود تهیه و با دوستانت به اشتراک بگذاری.

-حالا مدادت را بردار و چرخهای قطار و ریل ها را کامل کن تا دینا و دانا و خانواده اش زودتر به حرم امام رضا(ع) برسند.

کاربرگ 4، پروژه ایران وطن من

سلام خوب به تصویر بالا نگاه کن. خانواده دانا و دینا به حرم امام رضا(ع) رسیدند آنها در حال انجام چه کاری هستند؟ با دوستانت گفت و گو کن. دانا و دینا به یاد سرود بابارضا افتادند. بیایید با هم گوش بدهیم.

-دانا و دینا و خانواده شان برای زیارت وارد حرم امام هشتم شدند. آنها برای زیارت کارهایی را انجام دادند. تصاویر پایین صفحه را خوب نگاه کن و در مورد کارهایی که برای زیارت انجام دادند با دوستانت صحبت کن.

-می توانی با کمک بزرگترها در مورد آداب زیارت گزارش تهیه کنی و با دوستانت در کلاس به اشتراک بگذاری.

کاربرگ 5، پروژه ایران وطن من

بچه ها سلام دانا و دینا در حرم امام رضا(ع) عکسی گرفته اند. برای اینکه این تصویر را ببینی باید تکه های عکس را از آخر کتاب جدا کنی و مانند تصویر نمونه، در جای مناسبش بچسبانی. حالا با دوستانت در مورد عکس خانواده دانا و دینا صحبت کن. اگر شما هم عکسی شبیه این عکس داری می توانی با اجازه خانواده ات آن را به کلاس بیاوری و خاطرات زیارت خود را تعریف نمایی.

کاربرگ 6. پروژه ایران وطن من

سلام بچه ها امروز می خواهیم با کمک هم در گروه قصه بگوییم . پس به چیزهایی که می گویم خوب توجه کنید. اول نام هر تصویر را بلند بگو. حالا معلم شما از تصاویر سوالی می پرسد با دقت گوش بده ، فکر کن و پاسخ بده.

-حالا با استفاده از دو تصویر که مربی می گوید، جمله ای بساز مانند کبوتر روی آدم برفی نشسته است.

-حالا چند تصویر را انتخاب کن و داستان کوتاهی با کمک دوستانت بساز. مثلا دینا و دانا آدم برفی ساختند و یک کلاه بر سر آدم برفی که گذاشتند. بعد دانا دستکش خود را پوشید و....

-اگر دوست داری می توانی چند تصویر در قسمت پایین بچسبانی و به داستان اضافه کنی.

نکته (مربیان باید برای کودکی که نمی تواند جمله های پیوسته بسازد جمله هایی مانند جملات بالا را بخواند و بخواهد دستشان را روی کلمه ای بگذارند که بیان می کنند).

کاربرگ 7. پروژه ایران وطن من

سلام بچه ها اول به شعر خوب گوش دهید، ببینید در مورد چه کسی صحبت می کنم.

انار دونه دونه رهبر چه مهربونه / امام مسلمینه حافظ اصل دینه / بچه ها رو دوست داره نور از رُخش می باره

می خوام برم دیدنش برای بوسیدنش / بگم بابای خوبم یار امام زمونم / تو در نماز شب ها ما را دعا بفرما

بله درست گفتید، شعر درباره ی رهبر عزیزمان هست.

-در کتاب تصویر رهبر ما امام خامنه ای و رهبر انقلاب امام خمینی را خوب ببین و در مورد آنها هر چه

که می دانی، به دوستانت بگو . حالا خوب گوش بده.

"لبخند زیبا"

ما توی خانه یک قاب عکس داریم. عکسی از آقای مهربانی که اسمش «امام خمینی» است. مامان می گوید امام بچه ها را خیلی دوست داشت. همه ی مردم را خیلی دوست داشت. برای همین چهل و دو سال پیش به آن ها کمک کرد تا شاه زورگو را از ایران بیرون کنند. من عکس امام را می بوسم و یک شاخه گل سفید کنارش می گذارم. عکس امام مثل همیشه به من لبخند می زند.

-حالا مدادت را بردار و طرح های چهارگوش دور قاب را کامل کن و سپس به دلخواه رنگ کن. سپس در منزل در مورد امام خمینی (ره) و امام خامنه ای از بزرگ ترها سوال کن و هرچه یاد گرفتی را با دوستانت به اشتراک بگذار و با کمک آنها تصاویری که بچه ها در کنار رهبر هستند را از مجلات، اینترنت و... جدا کن و در قاب های خالی بچسبان.

حالا مدادت را بردار و شکل های پایین صفحه را کامل کن.

کاربرگ 8، پروژه ایران وطن من

سلام عزیزم، بگو ببینم تا حالا کجا مسافرت رفته ای؟ چه جاهایی را دیده ای؟ در دو قاب عکس خالی تصویر جاهایی را که به مسافرت رفته ای را بچسبان یا نقاشی کن. می توانی عکسها را از مجلات بچینی یا به کمک خانواده ات از اینترنت بگیری یا نقاشی کنی.

حالا مداد رنگیهایت را بردار و دور قاب ها، ستاره های سفید رنگ را به این صورت رنگ کن. دو تا قرمز، یکی آبی، یکی زرد. -وقتش به سرود عمو پورنگ گوش بدهی و با جاهای زیبای ایران بیشتر آشنا بشی. پس آماده باش و خوب گوش بده.

کاربرگ 9، پروژه ایران وطن من

سلام دانا و دینا همراه خانواده شان به مسجد جمکران برای زیارت آمده اند. از دیگران در مورد این مسجد بپرس و به هر شکلی که دوست داری (صوت/ عکس/ شعر/ فیلم و....) با دوستانت به اشتراک بگذار.

حالا شکل پرنده ها و خانواده دانا و دینا را که نقطه چین رسم شده را با مداد کامل کن و به دلخواه رنگ کن و به این شعر گوش بده.

«شعر گنبد آبی رنگ»

تو شهر ما یه مسجده

خیلی بزرگ و زیباست

گنبد آبی رنگ اون

رنگ قشنگ دریاست

این مسجد قشنگو

خیلی دوستش داریم ما

تو مسجد جمکران

حرف می زنیم با خدا

میگم خدای دانا

بخشنده و مهربان

حضرت مهدی ما

زودی بیاد پیشمان (معصومه ونکی)

کاربرگ 10، پروژه ایران وطن من

سلام بچه های خوب ایران. امروز در کودکستان دانا و دینا چه خبره؟ خوب به تصویر بالای کتاب

نگاه کنید. مثل اینکه در کودکستان فانوس جشنی برپاست.

-به نظر شما چه جشنی است؟

- دانا و دینا در حال انجام چه کاری هستند؟

- آیا شما هم کودکستان خود را برای این جشن آماده کرده اید؟

حالا به قسمت پایین صفحه خوب نگاه کنید.

-پدر و مادر، دانا و دینا و دوستانشان کجا هستند؟

- در چه مراسمی شرکت کرده اند؟

- آیا تو هم به همراه خانواده ات در این جشن و راه پیمایی شرکت کردی؟

- چه حسی داشتی اگر عکس، فیلم، نقاشی، صوت یا..... از خاطره راه پیمایی 22 بهمن خودداری با دوستان

در کلاس به اشتراک بگذار.

کاربرگ 11، پروژه ایران وطن من

سلام خوب به هر دسته از تصاویر نگاه کن. اول با مداد خطوط نقطه چین دور آن را کامل کن. حالا در

هردسته یکی یکی اسم چیزهایی را که می بینی بلند به دوستانت بگو. بعد یک، دو، سه بگو و سریع بگو چه شکلی در هر سه دسته تکرار شده بود. آن را رنگ کن.

کاربرگ 12، پروژه ایران وطن من

سلام، خوب به تصاویر بالای صفحه نگاه کن و نام آن ها را به دوستانت بگو، حالا مدادت را بردار و تصاویری که صدای اول یا آخرشان شبیه هم هستند را در یک دسته قرار بده (دورشان را خط بکش)

-حالا شکل های نقطه چین پایین صفحه را کامل کن و علائم آنها را نیز بکش.

کاربرگ 13، پروژه ایران وطن من

سلام بچه های عزیز می دونم که مثل دانا و دینا عاشق ایرانید. خوب به صفحه نگاه کنید. دانا و دینا چه می کنند؟

در اطراف آن ها تصویر سوغات چند شهر را می بینی، به نظر شما این سوغات ها برای کدام شهرهاست؟ می توانی از دیگران بپرسی.

-شهر شما چه سوغاتی دارد؟ سه نمونه ی آن را به دوستانت معرفی کن.(می توانی شکلش را در کتاب بکشی، عکس یا نمونه ی واقعی اش را بچسبانی).

کاربرگ 14، پروژه ایران وطن من

سلام. اینجا تهرانه و برج بزرگ میلاد. خانواده دانا و دینا می خواهند برای بازدید این برج بزرگ و زیبا بروند. علامت ها جهت حرکت در خیابان را نشان می دهند. با توجه به علامت ها مسیر درست را پیدا کن و ماشین آن ها را به برج میلاد برسان(با خط مسیر را نشان بده).

- حالا مداد صورتی ات را بردار و نقطه چین ها را کامل کن. وقتی به منزل رفتی روی حاشیه فرش خانه راه برو به آن دست بکش و لمس کن. به طرح و نقشه ی آن خوب توجه کن. حالا به شکل پایین صفحه خوب نگاه کن. این فرش خودت است. آن را هر جوری که دوست داری با کاموا، مداد شمعی یا ماژیک و.... کامل کن. حالا شما یک فرش زیبای ایرانی داری. آفرین

پروژه منابع طبیعی، جلد دوم

نگاره پروژه منابع طبیعی

سلام خوب به تصویر نگاه کن. در مورد چیزهایی که می بینی با دوستانت صحبت کن.

در بالای تصویر چه چیزی می بینی؟ به نظر شما هوا چه جوریه؟ چه طور متوجه شدیدی؟

بالای تصویر سمت چپ چه چیزهایی می بینید؟ تا به حال به کوهنوردی رفته اید؟ اگر بله خاطره آن را برای دوستانت تعریف کن.

بیشترین چیزی که در این نگاره می بینی چه چیزی است؟ به جایی که درختان زیادی رشد کرده باشند چه می گویند؟ آفرین درسته.

همان طور که می دانی جنگل محل زندگی جانوران زیادیه، چند تا از این جانوران را که در تصویر می بینی را با انگشت اشاره به دستت نشان بده و نام ببر. برای حفظ جنگل چه باید بکنیم؟

در نگاره رودخانه رابه دوستت نشان بده، می دانی آب رودخانه از کجا می آید؟ توضیح بده.

چه چیزهای دیگری در نگاره می بینی؟ در مورد آنها و فوایدشان با دوستانت صحبت کن.

پروژه منابع طبیعی - کاربرگ 1

سلام بچه های عزیز، خوب به تصویر نگاه کنید و به دوستان بگو چه می بینی؟ به این شعر زیبا خوب گوش دهید.

خانم مربی میگه،	زمین یه توپ گرده
تویی که دائم داره	دور خودش می گرده
یه توپ گردو بزرگ	زمین که میگن اینه
به قول خانم ما	این کره ی زمینه
این توپ خیلی بزرگ	دره و دریا داره
زمستون و تابستون	بهار زیبا داره
خانم روتخته سیاه	عکس زمینو کشید
یا سر من گیج می رفت	یا که اونم می چرخید

عزیزم فهمیدی که زمین مثل یک توپ بزرگه که به آن **کره ی زمین** می گویند، روی کره زمین کشور زیبای ما **ایران** قرار داره که شهر و روستا های ما داخل آن است. مداد رنگی ات را بردارو کشور عزیزمان ایران را روی کره ی زمین پیدا کن و آن را همراه با دریا هایش رنگ کن.

کاربرگ 2، پروژه ی منابع طبیعی (در دوصفحه رو به روی هم رسم شده)

به این دو صفحه خوب نگاه کن دانا و دینا به جاهای مختلف ایران سفر کرده اند تا شما را با آن مکان ها آشنا کنید.

به هر تصویر خوب نگاه کن سپس در مورد چیزهایی که در هر تصویر مشاهده می کنی با دوستان صحبت کن بعد با کمک مربی و دوستان نام منطقه را بگو و..

آیا تا به حال به این مناطق رفته ای؟ چه وسایلی با خود برده ای؟ چه لباسی پوشیده ای؟ چگونه باید از این مناطق مواظبت کنیم؟ دراین باره با دوستان گفت و گو کن.

حالا می توانی به توصیه های عموپورنگ گوش دهی و سرود را گوش بدهی.

در پایان با دوستان دستهایت را بالا ببر و به خاطر این همه نعمت از خدای مهربان تشکر کن.

کاربرگ 3، پروژه منابع طبیعی

سلام بچه های پر تلاش و علاقه مند به طبیعت . خوب به تصویر کتاب نگاه کن. مداد رنگی یا مداد شمعی خودت را بردار. در هر منظره ای که سمت راست قرارداد هر چیزی را که بیشتر می بینی، در جدول مقابل آن علامت بزن. حالا بلندترین کوه را در منظره ی اول، بلندترین درخت را در منظره دوم و بلندترین بادبان را در منظره ی سوم، رنگ کن.

کوتاه ترین خار را هم در بیابان (آخرین منظره) علامت بزن.

حالا بگو نام هر منظره چیست و اینکه چرا این نام را دارد؟ با دوستانت در این رابطه بحث و گفت و گو کن.

کاربرگ 4، پروژه منابع طبیعی

سلام بچه های عزیز، دانا و دینا امروز تصمیم گرفتند تا همراه خانواده شان، برای طبیعت گردی به بیرون از شهر بروند.

-خوب به تصویر نگاه کن و در مورد تصویر و آنچه می بینی با دوستانت گفت و گو کن.

-در اطراف تصویر شکل هایی را می بینی، آن ها را به سایه شان وصل کن.

-در پایین صفحه وسایلی که مناسب گردش در طبیعت هستند را پیدا کن و با خط به دانا و دینا وصل کن.

کاربرگ 5، منابع طبیعی

سلام بچه ها، امروز هم یک بازی داریم فقط باید خوب گوش داده و سریع انجام بدهی.

-اول به تصاویر خوب نگاه کن و نام هر شکل را بگو.

-خب می رویم سراغ بازی.

- قایق را از جدول بالا پیدا کن و خانه ی بالای قایق را با مداد رنگی قرمز رنگ کن.

خانه ی بالای عینک را رنگ سبز بزن.

خانه ی پایین شمع را رنگ آبی بزن.

خانه ی پایین ماه را رنگ صورتی بزن.

خانه ی سمت راست پرنده را رنگ سبز بزن.

خانه ی سمت چپ قیچی را رنگ قهوه ای بزن

خانه ی سمت چپ کفش را رنگ زرد بزن.

خوب کدومتون زودتر این کار را انجام دادید. خودتان را تشویق کنید.

حالا برو وسط صفحه سمت راست بدون اینکه دستت را برداری مسیر را تا سمت چپ بکش.
نوبتی هم باشه نوبت بازی پایین صفحه است دو ردیف دونه ی برف داریم خوب نگاه کن .حالا زود بگو
در هر ردیف کدام از دانه های برف شبیه هم هستند؟ دور آن ها را خط بکش.(بین درست انجام دادی،
اگر بله به خودت، آفرین بگو)

کاربرگ 6، پروژه منابع طبیعی

سلام بچه ها. خوب به تصاویر نگاه کنید و نام تصاویر هر ردیف را به دوستانتان بگویید.
-حالا خوب گوش کن و انجام بده.

- به ردیف اول خوب نگاه کن تصاویری که صدای آخرش مثل صدای آخر «برف» هست رنگ بزن.
- به ردیف دوم خوب نگاه کن، تصاویری که صدای اول آنها مثل صدای آخر «برگ» هست رنگ بزن.
- به ردیف سوم خوب نگاه کن تصاویری که صدای آخرش مثل صدای اول «لب» هست رنگ بزن.
- به ردیف چهارم خوب نگاه کن تصاویری که صدای آخرش مثل صدای اول «قند» هست رنگ بزن.

کاربرگ 7، پروژه منابع طبیعی

سلام بچه های عزیز. یک سوال دارم می دونید بارون از کجا میاد؟ با هم در این رابطه با دوستانت در کلاس بحث و گفتگو کن.
اگر می خواهی بدانی باران از کجا میاد، می توانی به قصه ی «باران بهاری» گوش بدهی. پس خوب گوش بده، موقع گوش دادن به قصه هم می توانی به صفحه ی کتابت نگاه کنی.
خب عزیزان قصه را گوش دادید؟ موافقید به سرود باران هم گوش بدهید. خب حالا می توانید در مورد اینکه باران از کجا می آید بهتر با هم گفت و گو کنید.

-حالا به کتابت خوب نگاه کن و یک بار دیگه داستان آن را برای دوستت تعریف کن.
-بچه ها همان طور که می بینید، موشی در زیر بارون حسابی خیس شده، مداد را بردارید چتر را کامل و رنگ کنید و با کشیدن خط به دست موشی برسানید.

-بچه ها بعد از آمدن باران هوا صاف و دلپذیر می شود.چشمانتان را ببندید و فکر کنید در یک جای پر از درخت، حیوانات و دره هستید و باران فراوانی باریده حالا به صدای من خوب گوش دهید.

بله بچه های عزیز، فکر کنید در یک دشت هستید به به، چه هوایی!

باران می بارد، دشت ها پر از گندم و برنج می شوند حالا همه غذا برای خوردن دارند.

به به، چه نانی، چه غذایی!

باران می بارد. درخت ها شکوفه می کنند. سفید و صورتی، از همه رنگ، حالا باغ ها پر از میوه های جورواجور می شوند.

به به، چه میوه های خوش مزه ای!

باران می بارد. رودها و دریاها پر از آب می شوند. حالا ماهی ها و قورباغه ها می توانند راحت زندگی کنند.

به به، چه آب صافی!

باران می بارد. هوا را پاک می کند و خیابان ها و کوچه ها را می شوید. حالا زمین و هوا تمیز است و همه راحت نفس می کشند. **به به، چه هوای پاکی!**

بچه ها باران هدیه ای از آسمان است. چه مهربان است خدا، مثل مامان و بابا. خدایا شکر تو به خاطر تمام نعمت های تو و شکر تو به خاطر باران.

کاربرگ 8، پروژه منابع طبیعی

سلام بچه های عزیز. امروز برف باریده دانا و دینا خیلی خوشحالند که برف می بارد. آن ها از پدر و مادر اجازه گرفته اند که به بیرون از منزل بروند و آدم برفی بسازند.

-خوب به تصاویر نگاه کن و داستان آن را برای دوستانت بگو.

-در تصویر چهارم شکل آدم برفی را کامل کن. بعد آدم برفی را با پنبه، دستمال کاغذی یا خرده کاغذ و... کلاژ کن.

-حالا مداد رنگی ات را بردار و این صفحه را به سلیقه ی خودت رنگ آمیزی کن.

-اگر خاطره ای از یک روز برفی یا ساختن آدم برفی و... داری، در روزهای بعد به هر طریقی که دوست داری با دوستانت به اشتراک بگذار.

کاربرگ 9، منابع طبیعی

سلام. خوب به صفحه ی کتاب نگاه کن.

-دانا و دینا چند خط بسته روی صفحه کشیده اند، به نظر شما این خط ها شبیه چه چیزی هستند.

-گوش بده. صدایی میاد، بچه ها ابر می گه، این منم توی آسمان هستم شاید ببارم شاید ببارم. بله درسته می تونه ابر باشه.

-بره کوچولو می گه نه این پشم بدن مامان منه، بع بع.....

-پسر کوچولو می گه این درخت من است خودم آن را کشیده ام ببینید تنه هم دارد.

-خاله پیر زن میگه: نه، این پنبه های من است، دارم با آنها نخ می رسم.

-عروسک می گوید: این موهای فرفری من است. ببین چه قدر بلند است.

- پروانه می گوید: «نه این بال های من است، ببین چه قدر قشنگ و رنگارنگ است.

- خوب بچه های خوب، شما چه می گوئید و چه فکر می کنید؟ فکر را بگو و نقاشی را کامل کن.

کاربرگ 10، منابع طبیعی

سلام بچه ها، در شب چه کارهایی انجام می دهیم. آسمان شب چه شکلی است؟ توضیح دهید.

درروز چه کارهایی انجام می دهیم. آسمان روز چه شکلی است؟ توضیح دهید.

حالا دو تصویر این صفحه را خوب ببین و با هم مقایسه کن به نظر شما کدام تصویر روز را نشان می دهد و کدام تصویر شب را؟

- حالا آسمان آن را بکش، به طوری که روز و شب را نشان دهد. دلایل خود را به دوستان و مربی خوشت بگو و تفاوت های دو تصویر را علامت بزن.

کاربرگ 11، منابع طبیعی

سلام بچه ها امروز دانا و دینا مهمان دارند. دختر عمو و پسر عمویشان منزل آنها هستند. آنها دور هم جمع شده اند تا معمایی را حل کنند، شما هم می توانید به آن ها کمک کنید.

به تصویر بالا خوب نگاه کن. نام هر تصویر را بگو و به صدای اول و آخر آن ها توجه کن. در خانه های خالی، کدام تصویر باید قرار بگیرد نقاشی کن.

حالا به تصویر پایینی نگاه کن.

(س) من کدام یک از شکلها هستم؟ کنار تصویر من گل بکش.

-حالا خوب گوش بده بعد تصاویر را با دقت نگاه کن و من را پیدا کن.

-خانه ی من سبز است.

-یک برکه کنار خونه ی من است.

-روی درخت کنار خونه ی من پرنده است.

کاربرگ 12، منابع طبیعی

سلام . خوب به تصاویر نگاه کن؟ در این شکل ها چه استفاده ای از باد می شود؟

اگر مورد استفاده دیگری از باد می دانید بیان کن، بعد شکل آن را در جای خالی بکش یا بچسبان.